

نقش ابعاد تاریک شخصیت و خودنهادسازی در پیش‌بینی قلدری سایبری با آزمون نقش میانجیگری احساس کهرتری

تاریخ دریافت: ۱۴۰۴/۰۴/۲۲ - تاریخ پذیرش: ۱۴۰۴/۱۰/۱۲

خلاصه

مقدمه: پژوهش حاضر با هدف بررسی نقش ابعاد تاریک شخصیت و خودنهادسازی در پیش‌بینی قلدری سایبری با میانجی‌گری احساس کهرتری در میان دانش‌آموزان نوجوان شهر خوی انجام شد.

روش کار: مطالعه حاضر بنیادی، باروش توصیفی-همبستگی و از نوع مدل‌یابی معادلات ساختاری بود. جامعه آماری کلیه دانش‌آموزان دوره متوسطه اول و دوم شهر خوی در سال تحصیلی ۱۴۰۴-۱۴۰۵ بودند که ۳۵۰ نفر به روش نمونه‌گیری تصادفی چندمرحله‌ای انتخاب شدند. داده‌ها با استفاده از پرسشنامه ویژگی‌های نه‌گانه تاریک شخصیت، پرسشنامه خودنهادسازی، پرسشنامه قلدری سایبری و پرسشنامه احساس کهرتری جمع‌آوری و با نرم‌افزارهای SPSS و SmartPLS تحلیل شدند.

نتایج: یافته‌ها نشان داد بین ابعاد تاریک شخصیت و قلدری سایبری، همچنین خودنهادسازی و احساس کهرتری نیز با قلدری سایبری رابطه معناداری وجود داشت. نتایج مدل‌یابی نشان داد ابعاد تاریک شخصیت ($\beta=0/39$) و خودنهادسازی ($\beta=0/33$) به‌طور مستقیم بر قلدری سایبری اثر مثبت دارد. احساس کهرتری با قلدری سایبری ($\beta=-0/46$)، همچنین ابعاد تاریک شخصیت ($\beta=-0/42$) و خودنهادسازی با احساس کهرتری رابطه منفی معنادار داشت ($\beta=-0/35$). در بخش اثرات غیرمستقیم نقش میانجی احساس کهرتری در رابطه ابعاد تاریک شخصیت ($\beta=0/19$) و خودنهادسازی با قلدری سایبری ($\beta=0/16$)، تأیید شد. شاخص‌های برازش نشان‌دهنده برازش مطلوب مدل مفهومی پژوهش بودند.

نتیجه‌گیری: ویژگی‌های شخصیتی تاریک و خودنهادسازی از طریق کاهش احساس کهرتری و نیز به‌صورت مستقیم، در افزایش قلدری سایبری نقش دارند. این یافته‌ها بر اهمیت مداخلات روان‌شناختی مبتنی بر اصلاح ویژگی‌های شخصیتی و تنظیم هیجانی در پیشگیری از رفتارهای پرخطر آنلاین تأکید می‌کند.

کلمات کلیدی: ابعاد تاریک شخصیت، خودنهادسازی، قلدری سایبری، احساس کهرتری

فرینا ایرجی^۱

سمیرا علیزاده^۲

مسعود قربانعلیپور^{۳*}

آزاد سلمان نسب^۴

^۱ کارشناسی ارشد، گروه روان‌شناسی بالینی، دانشکده علوم پزشکی، واحد تبریز، دانشگاه آزاد اسلامی، تبریز، ایران

^۲ کارشناسی ارشد روانشناسی تربیتی، گروه روانشناسی و علوم تربیتی، واحد خوی، دانشگاه آزاد اسلامی، خوی، ایران

^۳ گروه روانشناسی، واحد خوی، دانشگاه آزاد اسلامی، خوی، ایران (نویسنده مسئول).

^۴ دانشجوی دکتری روان‌شناسی، گروه روان‌شناسی، دانشکده ادبیات و علوم انسانی، دانشگاه ارومیه، ارومیه، ایران

Email:
masoudqorbanalipour@gmail.com

مقدمه

پدیده قلدری سایبری^۱ به رفتارهای آزاردهنده و آسیب‌رسانی گفته می‌شود که نوجوانان از طریق ابزارهای الکترونیکی انجام می‌دهند و به دلیل نبود محدودیت زمانی و مکانی می‌تواند دامنه‌ای گسترده و مداوم داشته باشد (۱). این پدیده در فضاهای مختلف رسانه‌ای بروز می‌یابد و شامل توهین، انتشار شایعه، افشای اطلاعات خصوصی، تهدید، جعل هویت، طرد اجتماعی برخط و ارسال پیام‌های مکرر آزاردهنده است (۲). از آنجا که قلدری سایبری مرز جغرافیایی نمی‌شناسد و در هر کشور و بستری ممکن است رخ دهد، نوجوانان در معرض خطر دائمی آن قرار دارند (۳). مطالعات نشان داده‌اند که عوامل فردی، جنسیت، شرایط خانوادگی، نوع استفاده از رسانه‌ها و فشار همسالان در تشدید آن نقش دارند (۴). آثار منفی آن نه تنها روانی بلکه اجتماعی و حتی فیزیولوژیک بوده و می‌تواند اضطراب، افسردگی، افت تحصیلی، انزوای اجتماعی، دردهای جسمانی و در موارد شدید پیامدهای خطرناک‌تری را به دنبال داشته باشد (۵). علاوه بر این، قلدری سایبری در مقایسه با قلدری سنتی به دلیل ناشناس بودن عامل آزار، گستردگی مخاطبان و ماندگاری پیام‌ها، اثرات شدیدتری بر قربانی دارد (۶). پیامدهای اجتماعی آن نیز شامل کاهش اعتماد نوجوانان به والدین و بزرگسالان و عدم گزارش‌دهی رفتارهای آزاردهنده است که می‌تواند چرخه خشونت را پایدار کند (۷). همچنین ارتباط معناداری میان قلدری سنتی و سایبری وجود دارد و تجربه یکی احتمال بروز دیگری را افزایش می‌دهد (۸). از این‌رو، شناخت دقیق ابعاد این پدیده و پیامدهای آن برای تدوین

برنامه‌های پیشگیرانه، آموزش مدرسه‌ای و حمایت مؤثر از قربانیان اهمیت اساسی دارد (۹).

پژوهش‌های این حوزه نشان می‌دهند که یکی از مهم‌ترین و پایدارترین عوامل مرتبط با قلدری سایبری در میان نوجوانان، ابعاد تاریک شخصیت^۲ است و افرادی که این صفات را در سطح بالاتری دارند احتمال بیشتری دارد که در فضای مجازی رفتارهای آزاردهنده بروز دهند (۲). ابعاد تاریک شخصیت معمولاً شامل ماکیاولیسم، خودشیفتگی و روان‌پریشی است که با الگوهای رفتاری مانند دستکاری دیگران، خودبزرگ‌بینی، بی‌تفاوتی هیجانی، پرخاشگری و تکانشگری مشخص می‌شوند و برخی پژوهش‌ها بعد سادیسزم را نیز به عنوان بخشی از ساختار تاریک شخصیت معرفی کرده‌اند (۱۰). ماکیاولیسم با تمایل به بهره‌کشی از دیگران برای کسب منفعت شخصی همراه است، خودشیفتگی با نیاز شدید به تحسین و حساسیت نسبت به انتقاد مشخص می‌شود، روان‌پریشی با فقدان همدلی، رفتارهای ضداجتماعی و تکانشگری مرتبط است و سادیسزم با لذت‌بردن از آزار دیگران تعریف می‌شود (۱۱). نتایج پژوهش‌ها نشان می‌دهند که هر سه بُعد اصلی تاریک شخصیت با قلدری سایبری رابطه مثبت دارند، به‌طوری‌که افرادی با ویژگی‌های روان‌پریشانه و ماکیاولی معمولاً قوی‌ترین پیش‌بینی‌کنندگان رفتارهای آزاردهنده‌ی آنلاین هستند (۱۲). علاوه بر این، مطالعات داخلی نیز نشان داده‌اند که صفات تاریک همراه با تکانشگری و بی‌انگیزگی اخلاقی می‌توانند به‌طور معناداری احتمال قلدری سایبری را در نوجوانان دارای وابستگی به فضای مجازی افزایش دهند (۱۳). در پژوهش‌های دیگری نیز

^۲ Dark Personality Traits^۱ Cyberbullying

مشخص شده است که این صفات از طریق فرایندهایی مانند بی‌انگیزگی اخلاقی، شدت استفاده از شبکه‌های اجتماعی و تجربه آسیب‌های دوران کودکی می‌توانند رفتارهای آزاردهنده مجازی را تقویت کنند (۱۴، ۱۵). همچنین ثابت شده است که نه تنها سه‌گانه‌ی تاریک، بلکه چهارتایی تاریک و به‌ویژه سادیسم نیز نقش مهمی در رفتارهای آسیب‌زا، قلدری و تهاجم دیجیتال دارد (۱۰). مجموعه این یافته‌ها اهمیت توجه به ابعاد تاریک شخصیت را در برنامه‌های پیشگیرانه، آموزش مهارت‌های تنظیم هیجان و کاهش رفتارهای پرخطر آنلاین در مدارس نشان می‌دهد.

پژوهش‌های حوزه قلدری سایبری همچنین نشان می‌دهند که خودپنهان‌سازی^۱ یکی از عوامل مهم و اثرگذار در تجربه و تداوم این پدیده است و نقش قابل‌توجهی در شکل‌گیری پیامدهای روانی و اجتماعی مرتبط با آن دارد. خودپنهان‌سازی به گرایش آگاهانه‌ی فرد برای پنهان‌کردن اطلاعات شخصی، احساسات، مشکلات و آسیب‌های روانی از دیگران اشاره دارد؛ رفتاری که معمولاً برای جلوگیری از شرمندگی، قضاوت منفی یا آسیب بیشتر صورت می‌گیرد و با اجتناب از افشاگری، انزوای هیجانی و کاهش تمایل به کمک‌خواهی همراه است (۱۶). این ویژگی در نوجوانانی که اضطراب ظاهر، حساسیت اجتماعی یا ترس از ارزیابی منفی دارند بیشتر دیده می‌شود و با نگرش‌های منفی نسبت به ارتباطات اجتماعی و شبکه‌های اجتماعی رابطه دارد (۱۷). نتایج پژوهش‌ها نشان می‌دهد که خودپنهان‌سازی با تنهایی، اضطراب ظاهری و پریشانی روانی رابطه مثبت دارد و افرادی که احساسات و مشکلات خود را پنهان می‌کنند سطوح

پایین‌تری از بهزیستی ذهنی را تجربه می‌کنند (۱۸، ۱۹). برخی مطالعات نیز نشان داده‌اند که خودپنهان‌سازی نقش میانجی دارد؛ برای مثال، در نوجوانان کمال‌گرا خودپنهان‌سازی موجب می‌شود تمایل کمتری برای کمک‌خواهی از منابع حمایتی داشته باشند (۲۰)؛ همچنین می‌تواند رابطه میان آسیب‌های روانی و اعتیاد اینترنتی را تشدید کند (۲۱). در زمینه قلدری سایبری، یافته‌ها نشان می‌دهند که قربانیان به دلیل ترس از تحقیر یا بی‌اعتمادی نسبت به حمایت اجتماعی، اطلاعات مربوط به تجربه قلدری را پنهان می‌کنند و این امر موجب تداوم چرخه آسیب و افزایش مشکلات روانی می‌شود (۲۲). افزون بر این، در تحلیل‌های روان‌اجتماعی مشاهده شده است که حتی شاهدان قلدری سایبری نیز گاهی برای دورماندن از درگیری، احساسات و نگرانی‌های خود را پنهان می‌کنند و این امر به نوعی گسست اخلاقی و کاهش مداخله مؤثر می‌انجامد (۲۳). مجموعه این نتایج نشان می‌دهد که خودپنهان‌سازی نه تنها با تجربه قربانی‌بودن در قلدری سایبری مرتبط است، بلکه می‌تواند تداوم آسیب‌ها، کاهش کمک‌خواهی و تشدید مشکلات روانی را در نوجوانان تقویت کند و بنابراین توجه به آن در برنامه‌های حمایتی و پیشگیرانه اهمیت اساسی دارد.

یکی دیگر از عواملی که در پژوهش‌های مرتبط با قلدری سایبری مورد توجه قرار گرفته است احساس حقارت است؛ احساسی که نقش مهمی در تبیین هم رفتارهای قربانی و هم رفتارهای آزارگر دارد. احساس حقارت به تجربه‌ی پایدار نقص، ناتوانی، بی‌کفایتی یا کم‌ارزشی نسبت به دیگران اشاره دارد و همراه با خودکم‌بینی، کم‌قدرتی، سرزنش خود

¹ Self-Concealment

و احساس نابرابری اجتماعی بروز می‌یابد (۲۴). افراد دارای احساس حقارت معمولاً تصور می‌کنند در مقایسه با دیگران پایین‌تر قرار دارند، کنترل کمی بر شرایط اجتماعی دارند و در روابط بین‌فردی آسیب‌پذیرترند (۲۵). در بستر قلدری سایبری، پژوهش‌ها نشان می‌دهند که احساس حقارت هم می‌تواند احتمال قربانی‌شدن و هم آزارگری را افزایش دهد. برخی مطالعات در زمینه آسیب‌پذیری قربانیان گزارش کرده‌اند که کودکان و نوجوانانی که احساس تنهایی، ناتوانی در ارتباط، افسردگی و حقارت بیشتری دارند، بیشتر در معرض پذیرش نقش قربانی و تداوم آن قرار می‌گیرند (۲۶). همچنین یافته‌ها نشان می‌دهد که احساس بی‌قدرتی و درماندگی حاصل از قلدری سایبری می‌تواند به کاهش کنترل درک‌شده، افزایش افسردگی و تداوم چرخه‌ی آسیب منجر شود (۲۷). در مطالعات مرتبط با خودارزشی نیز مشاهده شده است که نوجوانانی با عزت‌نفس پایین و احساس حقارت بیشتر در معرض قلدری سایبری قرار می‌گیرند و ارتباط معناداری میان تنهایی، خودکم‌بینی و تجربه قربانی‌بودن وجود دارد (۲۸). از سوی دیگر، برخی پژوهش‌ها نشان می‌دهد که احساس حقارت ممکن است در برخی نوجوانان به‌صورت جبرانی منجر به رفتارهای آزارگرانه شود؛ به این معنا که فرد برای جبران احساس کم‌ارزشی و نابرابری اجتماعی، رفتارهای پرخاشگرانه آنلاین برای کسب حس قدرت و برتری نشان می‌دهد. برای مثال، مطالعه‌ای گزارش کرده است که نوجوانان دارای احساس حقارت و درماندگی، برای حفظ این احساس یا مقابله با آن ممکن است به رفتارهای قلدری سایبری روی آورند (۲۹). افزون بر این، پژوهش‌های مربوط به مقایسه اجتماعی نشان می‌دهند که مقایسه صعودی در شبکه‌های اجتماعی (مقایسه خود با افراد موفق‌تر یا محبوب‌تر)

می‌تواند احساس ناکافی‌بودن، شرمندگی اجتماعی و در نتیجه تمایل به رفتارهای دفاعی یا پرخاشگرانه از جمله قلدری سایبری را افزایش دهد (۳۰، ۳۱). در مجموع، پژوهش‌ها به این نتیجه اشاره دارند که احساس حقارت چه در نقش قربانی و چه در نقش آزارگر می‌تواند به‌طور مستقیم و غیرمستقیم با قلدری سایبری پیوند داشته باشد؛ این احساس با عواملی همچون تنهایی، کمبود عزت‌نفس، مقایسه اجتماعی و ضعف مهارت‌های ارتباطی تقویت می‌شود و مداخله در این حوزه برای پیشگیری از قلدری سایبری اهمیت زیادی دارد.

از سوی دیگر، مجموعه‌ای از پژوهش‌ها نشان داده‌اند که ابعاد تاریک شخصیت (مانند ماکیاولیسم، سایکوپاتی و نارسسیسم) و همچنین خودنهادسازی می‌توانند به‌طور مستقیم یا غیرمستقیم زمینه‌ساز شکل‌گیری و تقویت احساس حقارت باشند. بر اساس پژوهش (۳۲) ابعاد تاریک شخصیت از طریق اضطراب، تجربه طرد اجتماعی و احساس حقارت می‌توانند بر رفتارهای ناسازگارانه اثر بگذارند. این مطالعه نشان داد که افراد دارای گرایش‌های ماکیاولیستی، سایکوپاتیک یا نارسسیستیک، در سطح هیجان‌های منفی و روابط اجتماعی، آسیب‌پذیری بیشتری نسبت به شکل‌گیری احساس کم‌ارزشی و حقارت دارند. این ابعاد تاریک نه تنها رفتار بین‌فردی مخرب ایجاد می‌کنند بلکه درونی‌سازی تجربه ناکامی و «پایین‌رتبگی» اجتماعی را نیز افزایش می‌دهند. به‌طور مشابه، پژوهش (۳۳) که به رابطه صفات سه‌گانه تاریک و کمپلکس حقارت و برتری پرداخت، نشان داد که گرچه نقش ابعاد تاریک شخصیت در تبیین کامل احساس حقارت محدود است، اما برخی مؤلفه‌های آن—به‌ویژه ماکیاولیسم و سایکوپاتی—با ابعاد تجربه نابسندگی، خودکم‌بینی و نیاز به جبران افراطی همبستگی معنادار دارند. در این پژوهش

همچنین اشاره شده است که ویژگی‌های تاریک در برخی افراد ممکن است به صورت دفاعی به شکل «کمپلکس برتری» ظاهر شود، اما ریشه مشترک در گسست‌های عاطفی و ادراک کم‌ارزش بودن قابل مشاهده است. در ادامه، مطالعه (۳۴) نیز نشان داد که مشکلات بدنی و علائم جسمانی، در تعامل با ویژگی‌های شخصیتی، با کمپلکس حقارت و برتری مرتبط‌اند. این پژوهش تأکید می‌کند که افراد دارای ویژگی‌های نوروپاتیک، هیجان‌پذیر یا دارای صفات تاریک، در مسیر تجربه تنش فیزیولوژیک و استرس، بیشتر مستعد درونی‌سازی احساس بی‌کفایتی و حقارت هستند. از سوی دیگر، در ادبیات نظری و بالینی قدیمی‌تر نیز اشاره شده است که احساس حقارت با هیجان‌های منفی عمیق، به‌ویژه گناه و اضطراب پیوند دارد. برای مثال، (۳۵) بیان می‌کند که احساس حقارت می‌تواند فرآیندهای هیجانی را تشدید کرده و فرد را مستعد الگوی رفتاری ناسازگارانه سازد.

علاوه بر ابعاد تاریک شخصیت، خودنهادسازی نیز یکی از پیش‌بینی‌کننده‌های مهم احساس حقارت است. پژوهش (۳۶) یک مدل سریالی ارائه کردند که در آن احساس حقارت از طریق خودنهادسازی و تنهایی بر شادی و سلامت روان اثر می‌گذارد. آن‌ها نشان دادند که افراد دارای احساس حقارت، به‌منظور محافظت از خود در برابر قضاوت اجتماعی یا آشکارشدن ضعف‌ها، بیشتر به خودنهادسازی روی می‌آورند؛ فرایندی که در نهایت تنهایی، اضطراب و پریشانی را افزایش داده و چرخه حقارت را تقویت می‌کند. همچنین، پژوهش (۳۷) نشان می‌دهد که کمپلکس حقارت با خودنهادسازی رابطه معناداری دارد؛ به این معنا که افراد با احساس کم‌ارزشی، تمایل بیشتری به پنهان کردن هیجان‌ها، مشکلات و نیازهای شخصی دارند. این پنهان‌کاری خود سبب

کاهش مهارت‌های ارتباطی، تشدید تنهایی و احساس طرد اجتماعی می‌شود. مطالعات (۳۸) نیز این یافته‌ها را تأیید کرده‌اند و نشان داده‌اند که خودنهادسازی با مقایسه اجتماعی منفی، اضطراب، استرس و احساس پایین‌رتبگی مرتبط است. افراد دارای خودنهادسازی مزمن به دلیل ترس از دیده‌شدن یا طرد شدن، به‌طور پیوسته خود را کمتر از دیگران ارزیابی می‌کنند و در نتیجه به احساس حقارت پایدار می‌رسند.

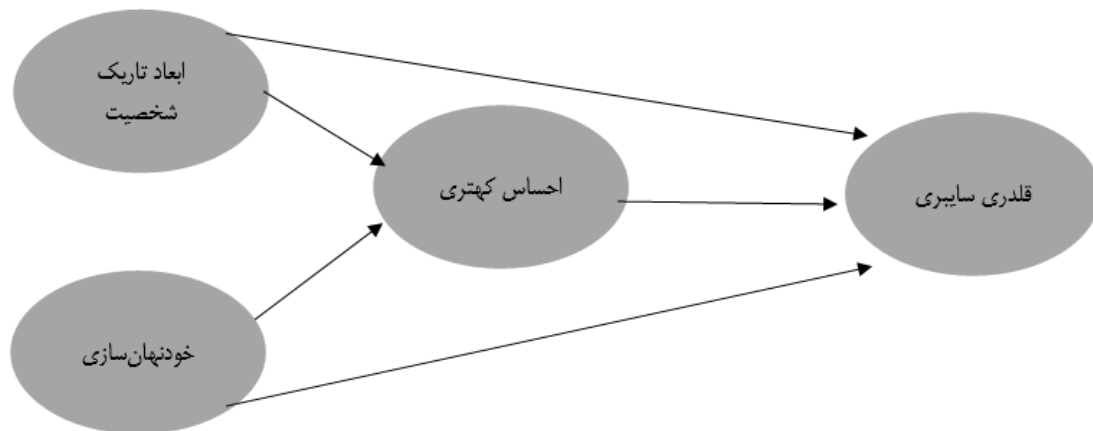
از این رو در یک نگاه کلی می‌توان گفت: مطالعات اخیر نشان می‌دهند که احساس کهنتری یا حقارت یکی از پیش‌بینی‌کننده‌های کلیدی رفتارهای پرخطر میان‌فردی، از جمله قلدری و قلدری سایبری است و خود تحت تأثیر مجموعه‌ای از ویژگی‌های شخصیتی و سازوکارهای هیجانی - شناختی قرار دارد که برجسته‌ترین آن‌ها ابعاد تاریک شخصیت و خودنهادسازی هستند. یافته‌های (۳۲) نشان می‌دهد که گرایش‌های ماکیاولیستی، سایکوپاتی و نارسایی‌های سیستمیک از طریق افزایش اضطراب، تجربه طرد اجتماعی و ادراک پایین‌رتبگی، زمینه شکل‌گیری احساس حقارت را فراهم می‌کنند و با ایجاد سبک‌های ارتباطی دستکاری‌گر و روابط بین‌فردی ناپایدار، فرد را در معرض درونی‌سازی ناکامی‌ها و تجربه مزمن کم‌ارزشی قرار می‌دهند. پژوهش (۳۳) نیز تأیید می‌کند که برخی ابعاد تاریک، به‌ویژه ماکیاولیسم و سایکوپاتی، با نابسندگی، خودکم‌بینی و تمایل به جبران‌جویی افراطی همبستگی دارند، و تعامل این ویژگی‌ها با عوامل فیزیولوژیک و هیجانی می‌تواند شدت احساس حقارت را تقویت کند (۳۴، ۳۵). از سوی دیگر، خودنهادسازی به‌عنوان یک سازه هیجانی - شناختی، نقش مهمی در تداوم و تشدید احساس کهنتری دارد؛ افراد دارای احساس کم‌ارزشی برای محافظت از خود در برابر طرد

اجتماعی به خودنهادسازی روی می‌آورند، راهبردی که با افزایش تنهایی، اضطراب و پریشانی، چرخه حقارت را بازتولید می‌کند (۳۶-۳۸).

با توجه به این مجموعه شواهد، این احتمال نظری قوت می‌گیرد که ابعاد تاریک شخصیت و خودنهادسازی نه تنها به‌طور مستقل بر رفتارهای پرخاشگرانه همچون قلدری اثر می‌گذارند، بلکه ممکن است اثرات آن‌ها از طریق سازوکارهای هیجانی - شناختی مشترکی همچون احساس کهرتری اعمال شود. با وجود این، پژوهش‌های موجود بیشتر بر روابط دو متغیره تمرکز داشته‌اند و نقش میانجی‌گری بالقوه

احساس کهرتری در ارتباط میان ویژگی‌های تاریک شخصیت یا خودنهادسازی با قلدری به‌صورت نظام‌مند بررسی نشده است. این خلأ پژوهشی مانع از درک عمیق مکانیسم‌های زیربنایی شکل‌گیری رفتارهای پرخاشگرانه در بسترهای اجتماعی و دیجیتال می‌شود و بر ضرورت انجام پژوهش‌هایی تأکید دارد که این فرایندهای واسطه‌ای را روشن سازند.

در چنین زمینه‌ای، این پرسش اساسی مطرح می‌شود که آیا احساس کهرتری می‌تواند سازوکار میانجی اثر ابعاد تاریک شخصیت و خودنهادسازی بر قلدری سایبری باشد؟



نمودار ۱. مدل مفهومی تحقیق

روش کار

نوع این مطالعه از نظر هدف، بنیادی، از نظر داده‌ها، کمی، از نظر مدت زمان مطالعه مقطعی و از نظر روش مطالعه توصیفی-تحلیلی بود. روش پژوهش حاضر توصیفی از نوع همبستگی (مدل یابی معادلات ساختاری SEM) بود. جامعه آماری این پژوهش را کلیه دانش‌آموزان نوجوان دوره متوسطه دوم شهر خوی در سال تحصیلی ۱۴۰۵-۱۴۰۴

تشکیل دادند. انتخاب این جامعه با توجه به گستردگی استفاده از فناوری‌های دیجیتال در میان نوجوانان و شیوع روزافزون تجربه‌های مرتبط با قلدری سایبری در این گروه سنی انجام شد. از آنجا که تعاملات مجازی بخش مهمی از ارتباطات روزمره نوجوانان را شکل می‌دهد، بررسی نقش ویژگی‌های شخصیتی و سازوکارهای هیجانی در بروز رفتارهای پرخطر آنالاین در این جامعه ضروری به نظر می‌رسد. برای انتخاب

نمونه از میان جامعه آماری، از روش نمونه‌گیری تصادفی چندمرحله‌ای استفاده شد. بدین ترتیب که ابتدا مناطق آموزشی شهر خوی به صورت تصادفی انتخاب گردید. سپس از هر منطقه، تعدادی مدرسه دولتی و غیردولتی دوره متوسطه به شیوه تصادفی انتخاب شد. در مرحله بعد، از میان کلاس‌های انتخاب شده در هر مدرسه، دانش‌آموزان به صورت تصادفی انتخاب شدند تا تنوع لازم از نظر جنس، پایه تحصیلی و نوع مدرسه رعایت شود. استفاده از این روش امکان دستیابی به نمونه‌ای نماینده و متنوع از جامعه نوجوانان شهر خوی را فراهم ساخت و قابلیت تعمیم نتایج را افزایش داد. به منظور برآورد حجم نمونه مناسب برای مدل‌یابی معادلات ساختاری (SEM)، از راهنمای (۳۹) استفاده شد. بر اساس پیشنهاد کلاین، برای تحلیل مدل‌های ساختاری حداقل ۱۰ تا ۲۰ نفر به ازای هر پارامتر آزاد مدل نیاز است و حجم نمونه نباید کمتر از ۲۰۰ نفر باشد. با توجه به تعداد سازه‌های مکنون و مسیرهای مورد بررسی در مدل مفهومی این پژوهش، حجم نمونه مناسب ۳۵۰ نفر تعیین شد تا قدرت آزمون فرضیات، دقت برآورد ضرایب مسیر و برازش مدل با اطمینان کافی تضمین شود. در نهایت، ۳۵۰ نفر از دانش‌آموزان نوجوان شهر خوی به عنوان نمونه پژوهش انتخاب و پس از اخذ رضایت آگاهانه از آنان و والدین، پرسشنامه‌های مربوط به ابعاد تاریک شخصیت، خودنهی‌سازی، احساس کهرتری و قلدری سایبری را تکمیل کردند. این حجم نمونه با توجه به الزامات مدل‌یابی معادلات ساختاری، اعتبار و قابلیت اعتماد نتایج پژوهش را افزایش داده و امکان تحلیل دقیق روابط بین متغیرهای پژوهش را فراهم می‌سازد.

ملاک‌های ورود به پژوهش شامل دانش‌آموز بودن و اشتغال به تحصیل در دوره متوسطه اول یا دوم مدارس شهر خوی در

سال تحصیلی ۱۴۰۴-۱۴۰۵، داشتن سن ۱۲ تا ۱۸ سال، تمایل آگاهانه برای شرکت در پژوهش و تکمیل رضایت‌نامه آگاهانه توسط دانش‌آموز (و در صورت لزوم والدین) و همچنین برخورداری از حضور منظم در مدرسه و امکان دسترسی به فضای آموزشی یا مجازی برای تکمیل ابزارهای پژوهش بود. در مقابل، ملاک‌های خروج شامل عدم تمایل به ادامه همکاری یا انصراف در هر مرحله، ناقص بودن پاسخ‌نامه‌ها به گونه‌ای که امکان تحلیل آماری وجود نداشته باشد، ارائه پاسخ‌های غیرواقعی یا الگوهای پاسخ‌دهی نامعتبر، و وجود مشکلات شناختی یا روان‌شناختی شدید که مانع درک صحیح سؤالات پرسشنامه شود، بر اساس گزارش مدرسه یا والدین، در نظر گرفته شد.

ملاحظات اخلاقی پژوهش

در اجرای این پژوهش، اصول و استانداردهای اخلاقی در پژوهش‌های علوم انسانی به طور کامل رعایت شده است. پیش از شروع گردآوری داده‌ها، هدف پژوهش، نحوه اجرای آن و نوع مشارکت مورد نیاز برای تمامی شرکت‌کنندگان به صورت شفاف توضیح داده شد و سپس رضایت آگاهانه از دانش‌آموزان و در موارد لازم از والدین یا اولیای قانونی آنان اخذ گردید. مشارکت در پژوهش کاملاً داوطلبانه بوده و افراد در هر مرحله حق داشتند بدون هیچ گونه اجبار یا پیامد منفی، از ادامه همکاری انصراف دهند. برای حفظ محرمانگی اطلاعات، هیچ گونه مشخصات فردی از جمله نام و نام خانوادگی در پرسشنامه‌ها ثبت نشد و داده‌ها به صورت کدگذاری شده مورد تحلیل قرار گرفت. همچنین نتایج پژوهش به صورت کلی گزارش شده و از هرگونه شناسایی فردی یا سوءاستفاده از اطلاعات جلوگیری شده است. اصل عدم آسیب‌رسانی نیز در این پژوهش رعایت شد؛ به گونه‌ای که پرسشنامه‌ها به نحوی تنظیم شدند که کمترین میزان تنش روانی را برای پاسخ‌دهندگان ایجاد کنند و در صورت بروز

هرگونه ناراحتی احتمالی، امکان توقف پاسخ‌دهی و ارجاع به مشاور مدرسه فراهم بود. در نهایت، پژوهش صرفاً با اهداف علمی و ارتقای دانش در حوزه روان‌شناسی انجام شد و هیچ‌گونه منفعت شخصی یا سازمانی در آن دخیل نبوده است.

ابزارها

پرسشنامه ویژگی‌های نه‌گانه تاریک شخصیت: این مقیاس توسط (۴۰) طراحی شد. هدف این ابزار سنجش ویژگی‌های نه‌گانه تاریک شخصیت شامل کینه‌توزی، سادیسم، منفعت‌طلبی، بی‌اخلاقی، خودخواهی، خودشیفتگی، سایکوپاتی، حق‌روانی و ماکیاولیسم است. این پرسشنامه شامل ۸۴ سوال است و هر بعد دارای گویه‌های مشخصی است؛ به‌طوری که ابعاد و شماره سوالات مربوط به آن‌ها به ترتیب عبارتند از: کینه‌توزی (۱ تا ۱۷)، سادیسم (۱۸ تا ۳۱)، منفعت‌طلبی (۳۲ تا ۴۱)، بی‌اخلاقی (۴۲ تا ۵۵)، خودخواهی (۵۶ تا ۶۴)، خودشیفتگی (۶۵ تا ۷۱)، سایکوپاتی (۷۲ تا ۷۶)، حق‌روانی (۷۷ تا ۸۰) و ماکیاولیسم (۸۱ تا ۸۴). نحوه نمره‌گذاری این پرسشنامه بر اساس طیف پنج‌گزینه‌ای لیکرت است که گزینه‌ها شامل کاملاً مخالفم، مخالفم، نظری ندارم، موافقم و کاملاً موافقم بوده و به ترتیب نمره‌های ۱ تا ۵ به آن‌ها اختصاص داده شده است. برای محاسبه امتیاز هر بعد، مجموع نمره‌های مربوط به سوالات همان بعد محاسبه می‌شود. روایی صوری و محتوایی این مقیاس در نسخه ایرانی توسط اساتید دانشگاه مورد تأیید قرار گرفته و پایایی آن با استفاده از ضریب آلفای کرونباخ برابر با ۰/۹۳ گزارش شده است.

پرسشنامه خودنهادسازی:^۴ پرسش‌نامه خودنهادسازی، یک ابزار تجربی ۱۰ سؤالی است که (۴۱) برای ارزیابی میزان

تمایل فرد به پنهان کردن اطلاعات شخصی ناراحت‌کننده و منفی خود از دیگران طراحی کردند. آزمودنی‌ها بر اساس مقیاس لیکرت پنج نقطه‌ای از ۱= کاملاً مخالفم تا ۵= کاملاً موافقم به سوالات پرسش‌نامه پاسخ می‌دهند. دامنه‌ی نمرات بین ۵۰-۱۰ بوده و نمرات بالاتر نشان‌دهنده‌ی خودنهادسازی بالاتر است. ضریب پایایی این مقیاس به روش بازآزمایی ۰/۸۱ گزارش شده است. همچنین همسانی درونی این مقیاس به روش آلفای کرونباخ برابر با ۰/۸۳ به دست آمد. محققان علاوه بر انسجام درونی بالا، در بحث روایی همگرا، بین این مقیاس و اضطراب، افسردگی، پریشانی عمومی، تنهایی، ناسازگاری و علائم جسمی، همبستگی مثبتی را گزارش کردند. همچنین در بحث روایی واگرا، بین این مقیاس و عزت نفس، حمایت اجتماعی و احتمال مراجعه به مشاوره روانشناسی، همبستگی منفی را گزارش کرده‌اند. در ایران ضریب آلفای کرونباخ برابر ۰/۸۷ و ضریب بازآزمایی با فاصله زمانی سه ماهه برابر ۰/۸۳ به دست آمد که نشانگر همسانی درونی و پایایی مطلوب این مقیاس در جامعه ایرانی است و همچنین روایی سازه این مقیاس با مقدار ۰/۸۵ شاخص KMO و معناداری آزمون کرویت بارتلت حاکی از تأیید روایی سازه این مقیاس بود.

پرسش‌نامه قلدری سایبری:^۵ مقیاس قلدری سایبری توسط (۴۲) به منظور بررسی تجربه قلدری سایبری در نوجوانان طراحی و اعتباریابی شده است. این مقیاس دارای دو عامل قربانی قلدری سایبری و قلدری سایبری است و هر عامل دارای ۱۲ سوال است. قربانی قلدری سایبری سوالات (۱-۱۲)، و قلدری سایبری سوالات (۱۳-۲۴) را شامل

^۵-Cyber-Bullying/Victimization Experiences Questionnaire (CBVEQ)

^۴-Self-Concealment Scale (SCS)

می‌شود. شیوه نمره‌گذاری این مقیاس به صورت طیف لیکرت ۵ درجه‌ای (۱=هرگز، ۲=یک یا دو بار، ۳=گاهی، ۴=اکثر مواقع و ۵=هر روز) است. همچنین این پرسشنامه رفتار قلدری و قربانی قلدری سایبری را از بعد مستقیم و غیرمستقیم می‌سنجد. دامنه نمرات برای این مقیاس بین ۱۲ تا ۶۰ است که نمره بالاتر نشانه قلدری بیشتر است. آنتونیادو و همکاران (۲۰۱۶) برای بررسی پایایی پرسشنامه از آلفای کرونباخ استفاده کرده‌اند که ضریب ۰/۸۹ به دست آوردند و روایی عاملی پرسشنامه را بررسی و شاخص خطای ریشه مجذور میانگین تقریب ۰/۳۱ گزارش کردند. در مطالعه بشریور (۱۳۹۸) جهت بررسی اعتبار پرسشنامه به زبان فارسی و در جمعیت ایرانی تجربه قلدری-قربانی سایبری از دو روش همسانی درونی و بازآزمایی استفاده شده است. همسانی درونی کل پرسشنامه و خرده مقیاس‌های آن از طریق محاسبه ضریب آلفای کرونباخ برآورد گردید. یافته‌ها نشان داد که ضریب آلفای کرونباخ برای عامل قلدری سایبری، قربانی سایبری و برای کل مقیاس به ترتیب ۰/۷۵، ۰/۷۸، ۰/۷۹ به دست آمد و شاخص‌های تحلیل عامل تاییدی نشان داد که این مدل از برازش مناسبی برخوردار است.

پرسشنامه احساس کهنری: این مقیاس توسط (۴۳) ساخته شد و شامل دو بخش مقیاس خودسنجی و مقیاس خانواده سنجی است. هر دو مقیاس ۱۰ صفت شبیه به هم دارد. هر فرد باید نظر خود را درباره این صفت‌ها روی مقیاس ۶ درجه‌ای از ۱=کاملاً موافق، ۲=موافقم، ۱=نسبتاً موافقم، ۴=کاملاً مخالفم، ۵=مخالفم، ۶=نسبتاً مخالفم بیان کند. در مقیاس خودسنجی آزمودنی این صفت‌ها را درباره کودک خود از شماره ۱ تا ۳۰ و در مقیاس خانواده سنجی از شماره ۳۱ تا ۶۰، جمله‌ها را در رابطه با خواهران و برادران خود، زمانی که بچه بوده است، کامل می‌کند. در صورت تک فرزندی بودن به جای خواهران و برادران، جمله را در رابطه با

والدین خود کامل می‌کند. این شاخص سه مؤلفه دارد که احساس کهنری را در سه حوزه بدنی با سوالهای ۱، ۴، ۷، ۱۰، ۱۳، ۱۶، ۱۹، ۲۲، ۲۵ و ۲۸، اجتماعی با سوال های ۳، ۶، ۹، ۱۲، ۱۵، ۱۸، ۲۱، ۲۴، ۲۷، ۳۰ و هدف‌ها و معیارها با سوال های ۲، ۵، ۸، ۱۱، ۱۴، ۱۷، ۲۰، ۲۳، ۲۶، ۲۹ می‌سنجد. در هر خرده مقیاس دامنه نمرات در بازه‌ی ۶۰-۱۰ خواهد بود و نمره‌ی پایین‌تر نشان دهنده‌ی احساس حقارت بیشتر در آن حوزه است. (۴۳) در بررسی اعتبار و روایی این شاخص، ضریب اعتبار آن را از طریق ضریب آلفای کرونباخ در مقیاس خودسنجی برابر با ۰/۷۶ و برای مقیاس خانواده سنجی برابر ۰/۸۱ و از طریق دو نیمه سازی برای مقیاس خودسنجی و خانواده سنجی به ترتیب ۰/۸۳ و ۰/۷۶ و از طریق بازآزمایی در مقیاس خودسنجی و خانواده سنجی به ترتیب ۰/۸۲ و ۰/۷۹ به دست آوردند. افزون بر این (۴۳) استرانو و دیکسون ۱۹۹۰ به منظور بررسی روایی واگرا همبستگی میان مقیاس خودسنجی و خانواده سنجی شاخص مقایسه‌ای احساس کهنری را با مقیاس خودپنداره تنسی به ترتیب ۰/۳۵- و ۰/۳۱- به دست آوردند. در ایران صمدیان و همکاران (۱۳۹۶)، به اعتباریابی و رواسازی این پرسشنامه پرداخته‌اند، یافته‌ها نشان داد همسانی درونی خودسنجی و خانواده سنجی به ترتیب ۰/۷۹۹ و ۰/۷۵۱ و از طریق بازآزمایی با فاصله ۴۵ روز به ترتیب ۰/۸۴۵ و ۰/۷۰۷ بود که مقداری مطلوب است. روایی و پایایی این پرسشنامه در پژوهش حاضر در فصل چهار گزارش شده است.

پس از جمع‌آوری و کدگذاری و غربال‌گری داده‌ها و حذف موارد ناقص یا پرت، اطلاعات وارد نرم‌افزارهای SPSS 22 و SmartPLS شد و فرآیند تحلیل در دو سطح توصیفی و استنباطی انجام گرفت. در بخش آمار توصیفی، شاخص‌هایی شامل میانگین، انحراف معیار، فراوانی و درصد به‌منظور توصیف ویژگی‌های جمعیت‌شناختی نمونه و

متغیرهای اصلی پژوهش (ابعاد نه‌گانه تاریک شخصیت، خودنهادسازی، قلدری سایبری و احساس کهرتری) محاسبه گردید. در بخش آمار استنباطی، ابتدا از همبستگی پیرسون برای بررسی روابط اولیه بین متغیرها استفاده شد. سپس به‌منظور آزمون مدل مفهومی پژوهش و بررسی نقش میانجی احساس کهرتری در رابطه بین ابعاد تاریک شخصیت و خودنهادسازی با قلدری سایبری، از مدل‌یابی معادلات ساختاری مبتنی بر حداقل مربعات جزئی (PLS-SEM) در نرم‌افزار SmartPLS بهره گرفته شد. در این چارچوب، ارزیابی مدل اندازه‌گیری از طریق شاخص‌های پایایی و روایی (AVE) انجام شد و روایی همگرا و واگرا با استفاده از بارهای عاملی، معیار فورنل-لارکر و نسبت HTMT بررسی گردید. معناداری اثرات مستقیم و غیرمستقیم با روش بوت‌استرپ آزمون شد. در نهایت، برازش مدل ساختاری با

شاخص‌هایی نظیر SRMR، NFI، d_ULS، d_G و RMS_theta ارزیابی شد و سطح معناداری تمامی آزمون‌ها ۰/۰۵ در نظر گرفته شد.

نتایج

در پژوهش حاضر از مجموع ۳۵۰ نفر نمونه پژوهش، ۵۱/۴ درصد را دختران و ۴۸/۶ درصد را پسران تشکیل می‌دهند که نشان‌دهنده توزیع نسبتاً متعادل جنسیتی است. در پایه تحصیلی، بیشترین فراوانی مربوط به پایه دهم (۳۴/۳ درصد) و سپس یازدهم و دوازدهم (هرکدام ۳۲/۹ درصد) است. از نظر رشته تحصیلی، رشته تجربی با ۳۱/۴ درصد بیشترین و فنی حرفه‌ای با ۱۸/۶ درصد کمترین سهم را دارد. میانگین سن نمونه ۱۶/۵ سال با انحراف معیار ۱/۰ گزارش شد که نشان‌دهنده تمرکز سنی مناسب در دوره متوسطه دوم است.

جدول ۱. شاخص‌های جمعیت شناختی نمونه مورد پژوهش

متغیر	شاخص	تعداد (n)	درصد (%)
جنسیت	دختر	۱۸۰	۵۱/۴
	پسر	۱۷۰	۴۸/۶
	تعداد کل	۳۵۰	۱۰۰
پایه تحصیلی	دهم	۱۲۰	۳۴/۳
	یازدهم	۱۱۵	۳۲/۹
	دوازدهم	۱۱۵	۳۲/۹
رشته تحصیلی	تعداد کل	۳۵۰	۱۰۰
	ریاضی	۸۰	۲۲/۹
	انسانی	۹۵	۲۷/۱
	تجربی	۱۱۰	۳۱/۴
	فنی حرفه‌ای	۶۵	۱۸/۶
سن	تعداد کل	۳۵۰	۱۰۰
	میانگین / انحراف معیار	۱۶/۵	۱±۰

نتایج بررسی مفروضه نرمال بودن داده‌ها با استفاده از آزمون کولموگروف-اسمیرنوف نشان داد که مقادیر آماره Z برای تمامی متغیرها و خرده‌مقیاس‌ها در دامنه $0/98$ تا $1/20$ قرار دارد و سطح معناداری همه متغیرها بزرگ‌تر از $0/05$ است. بنابراین، توزیع داده‌ها در تمامی ابعاد نه‌گانه تاریک‌شخصیت، خودنهادسازی، قلدری سایبری و احساس کهنتری نرمال بوده و پیش‌فرض نرمالیت برای استفاده از روش‌های پارامتریک و مدل‌یابی معادلات ساختاری برقرار است. همچنین، نتایج مربوط به بررسی هم‌خطی چندگانه نشان داد که مقادیر تولرانس در بازه $0/47$ تا $0/62$ و مقادیر VIF در بازه $1/61$ تا $2/13$ قرار دارند. از آنجا که تمامی مقادیر تولرانس بالاتر از $0/1$ و مقادیر VIF کمتر از 5 بودند، می‌توان نتیجه گرفت که بین متغیرهای پیش‌بین هم‌خطی چندگانه شدید وجود ندارد. در نتیجه، مفروضه استقلال نسبی متغیرها تأیید شده و ورود متغیرهای پژوهش به مدل رگرسیونی و تحلیل‌های ساختاری از نظر آماری بلامانع است. نتایج آزمون همبستگی پیرسون جدول ۲- نشان داد، بین تمامی ابعاد نه‌گانه تاریک‌شخصیت و خودنهادسازی با

قلدری ساییری و قربانی قلدری ساییری، همبستگی‌های مثبت و معناداری در سطح $0/01$ مشاهده شد ($p < 0/01$). این ضرایب در دامنه $0/30$ تا $0/52$ قرار دارند که نشان‌دهنده روابط متوسط و قابل قبول است؛ به‌طوری‌که قلدری ساییری بیشترین همبستگی را با قربانی قلدری ($I = 0/52$) دارد. در مقابل، بین ابعاد تاریک شخصیت و مؤلفه‌های احساس کهرتی، همبستگی‌های منفی معنادار مشاهده شد ($0/36$ تا $0/19$). این الگو با منطق نمره‌گذاری ابزار احساس کهرتی قابل توضیح است؛ به این صورت که نمرات بالاتر در این مقیاس نشان‌دهنده احساس کهرتی کمتر و سازگاری بیشتر است، بنابراین رابطه منفی بیانگر آن است که با افزایش ویژگی‌های تاریک شخصیت، احساس کهرتی واقعی در فرد افزایش یافته و نمره آزمون کاهش می‌یابد. همچنین خرده‌مقیاس‌های کهرتی با یکدیگر همبستگی مثبت و قوی ($0/55$ تا $0/81$) دارند که نشان‌دهنده انسجام ساختاری مناسب این سازه است. در مجموع، الگوی همبستگی‌ها از روابط نظری مدل پژوهش حمایت کرده و زمینه را برای آزمون مدل ساختاری فراهم می‌سازد.

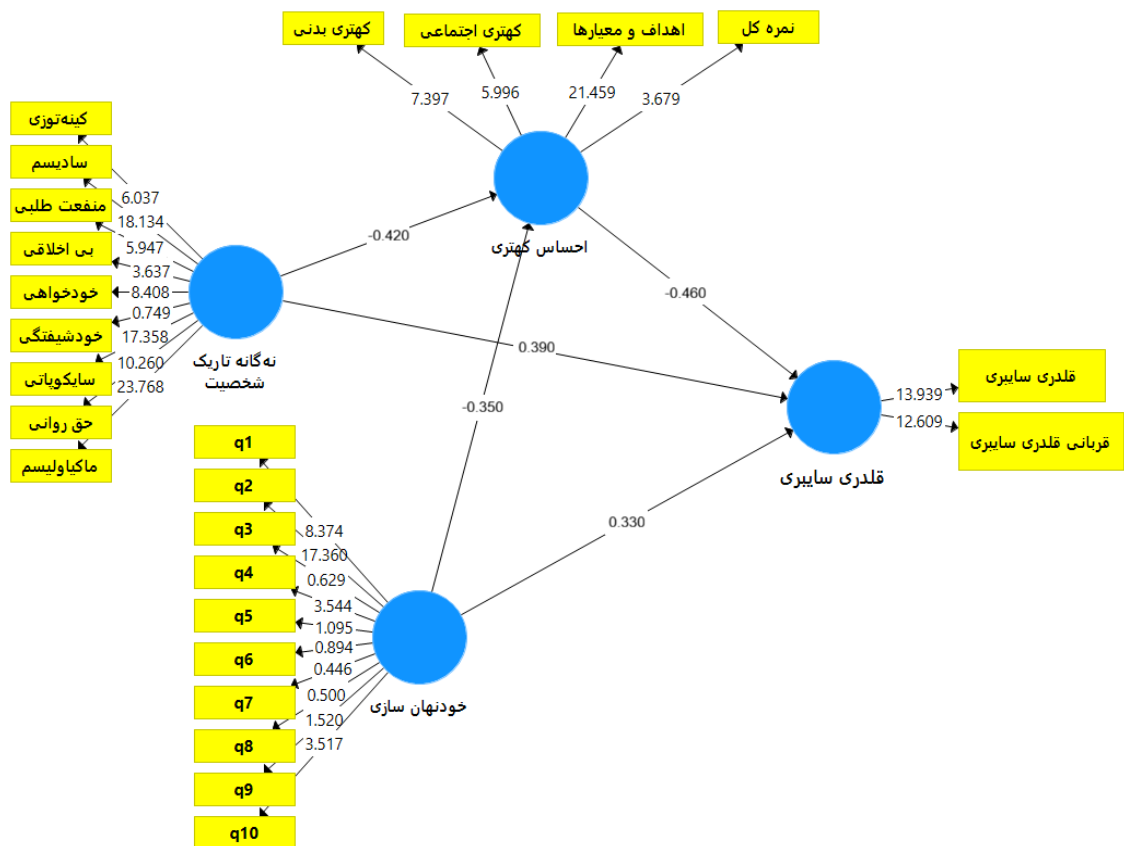
جدول ۲. همبستگی، متغیرهای پژوهش

[illegible]

حق روانی	۰/۴۴**	۰/۴۱**	۰/۴۶**	۰/۴۳**	۰/۴۸**	۰/۵۰**	۰/۴۰**	۱	
ماکیاولی سم	۰/۴۷**	۰/۴۵**	۰/۴۹**	۰/۴۶**	۰/۴۴**	۰/۴۲**	۰/۴۸**	۱	
خودنهاد سازی	۰/۳۶**	۰/۳۴**	۰/۳۸**	۰/۳۵**	۰/۳۳**	۰/۳۰**	۰/۳۴**	۰/۳۶**	۱
قلدری سایبری	۰/۴۱**	۰/۴۳**	۰/۳۹**	۰/۴۲**	۰/۳۷**	۰/۳۵**	۰/۴۵**	۰/۳۸**	۰/۴۴**
قربانی قلدری	۰/۳۳**	۰/۳۵**	۰/۳۱**	۰/۳۴**	۰/۳۰**	۰/۲۸**	۰/۳۲**	۰/۳۴**	۰/۵۲**
کهنتری بدنی	۰/۲۸**	۰/۲۶**	۰/۲۴**	۰/۲۷**	۰/۲۲**	۰/۲۰**	۰/۲۹**	۰/۲۳**	۰/۲۵**
کهنتری اجتماعی	۰/۳۰**	۰/۲۸**	۰/۲۶**	۰/۲۹**	۰/۲۴**	۰/۲۲**	۰/۳۱**	۰/۲۵**	۰/۲۷**
اهداف و معیارها	۰/۲۷**	۰/۲۵**	۰/۲۳**	۰/۲۶**	۰/۲۱**	۰/۱۹**	۰/۲۸**	۰/۲۲**	۰/۲۴**
کهنتری کل	۰/۳۵**	۰/۳۳**	۰/۳۱**	۰/۳۴**	۰/۲۹**	۰/۲۷**	۰/۳۶**	۰/۳۰**	۰/۳۲**

با توجه به ارزیابی مدل اندازه‌گیری پژوهش پیش از آزمون مدل ساختاری و اجرای بوت‌استرپ، شاخص‌های روایی و پایایی سازه‌ها مورد بررسی قرار گرفت. نتایج نشان داد آلفای کرونباخ سازه‌ها در دامنه ۰/۸۱ تا ۰/۹۱، پایایی ترکیبی (CR) بین ۰/۸۷ تا ۰/۹۳ و ضریب Rho در بازه ۰/۸۲ تا ۰/۹۲ قرار دارد که همگی بالاتر از حد معیار ۰/۷۰ بوده و بیانگر ثبات و انسجام درونی مطلوب ابزارها هستند. همچنین، مقادیر میانگین واریانس استخراج شده (AVE) برای تمامی سازه‌ها بین ۰/۵۳ تا ۰/۵۸ به دست آمد که از حد آستانه ۰/۵۰ فراتر رفته و نشان‌دهنده روایی همگرایی قابل قبول است. بر این اساس، سازه‌های قلدری سایبری، قربانی قلدری سایبری، ابعاد نه‌گانه تاریک شخصیت، خودنهادسازی و احساس

کهنتری از نظر دقت اندازه‌گیری در وضعیت مطلوب قرار دارند. علاوه بر این، شاخص‌های روایی و اگرانیز تأییدکننده تمایز مناسب سازه‌ها از یکدیگر بودند. در مجموع، نتایج بیانگر آن است که ابزارهای پژوهش از کیفیت روان‌سنجی کافی برخوردار بوده و امکان ورود به مرحله تحلیل مدل ساختاری با اطمینان آماری فراهم است. در ادامه، آزمون معناداری مسیرهای مدل ساختاری با استفاده از روش بوت‌استرپ و با ۲۰۰۰ نمونه‌گیری مجدد انجام گرفت. همچنین، برای نمایش بهتر روابط ساختاری و تبیین الگوی مفهومی پژوهش، مدل نهایی در قالب شکل ۲- ارائه شده است.



شکل ۲. مدل معادلات ساختاری پژوهش با مقادیر بتا (ضرایب مسیر)

بر اساس نتایج جدول ۳- شاخص های برازندگی مدل ساختاری نشان می دهد که مدل پژوهش از برازش مطلوبی برخوردار است. مقدار SRMR برابر با ۰/۰۴۱ بوده که کمتر از حد مجاز ۰/۰۸ است و نشان دهنده خطای کم در برازش مدل می باشد. همچنین مقادیر d_ULS (۰/۷۲) و d_G (۰/۶۳) در سطح پایین قرار داشته و بیانگر فاصله کم بین

ماتریس های مشاهده شده و پیش بینی شده هستند. مقدار Chi-Square برابر با ۴۱۲/۸۵ و در وضعیت مطلوب گزارش شد. شاخص NFI نیز با مقدار ۰/۹۲ بالاتر از حد استاندارد ۰/۹۰ بوده و برازش مناسب مدل نسبت به مدل پایه را تأیید می کند. در مجموع، مدل از برازش قابل قبول برخوردار است.

جدول ۳. شاخص های برازندگی مدل مورد بررسی

شاخص	مقدار
SRMR	۰/۰۴۱
وضعیت	مطلوب

d_ ULS	۰/۷۲	مطلوب
d_ G	۰/۶۳	مطلوب
Chi-Square	۴۱۲/۸۵	مطلوب
NFI	۰/۹۲	مطلوب

بر اساس نتایج آزمون بوت استرپ تمامی مسیرهای مستقیم و غیرمستقیم مدل پژوهش در سطح ۰/۰۰۱ معنادار بوده و فرضیه‌های پژوهش تأیید شده‌اند. در مسیر اول، ابعاد تاریک شخصیت تأثیر منفی و معناداری بر احساس کهرتی دارد ($t=۶/۳۸$ و $\beta=-۰/۴۲$)، به این معنا که با افزایش ویژگی‌های تاریک شخصیت، احساس کهرتی واقعی افزایش یافته و نمره آن کاهش می‌یابد. همچنین ابعاد تاریک شخصیت تأثیر مثبت و معناداری بر قلدری سایبری دارد ($t=۵/۹۲$ و $\beta=۰/۳۹$)، که نشان می‌دهد این ویژگی‌ها رفتارهای پرخاشگرانه آنلاین را افزایش می‌دهند. در مسیر سوم، خودنهادسازی نیز اثر منفی بر احساس کهرتی ($t=۵/۴۱$ و $\beta=-۰/۳۵$) و اثر مثبت بر قلدری سایبری ($t=۵/۱۰$)

($\beta=۰/۳۳$)، دارد. از سوی دیگر، احساس کهرتی تأثیر منفی و معناداری بر قلدری سایبری دارد ($t=۷/۰۲$ و $\beta=-۰/۴۶$)، که نشان‌دهنده نقش بازدارنده آن در رفتارهای پرخطر آنلاین است. در بخش اثرات غیرمستقیم نیز مشخص شد که ابعاد تاریک شخصیت از طریق احساس کهرتی بر قلدری سایبری اثر مثبت و معناداری دارد ($t=۴/۸۷$ و $\beta=۰/۱۹$). همچنین خودنهادسازی نیز از طریق احساس کهرتی اثر غیرمستقیم معناداری بر قلدری سایبری نشان می‌دهد ($t=۴/۵۲$ و $\beta=۰/۱۶$)، در مجموع، هر دو فرضیه مربوط به نقش میانجی احساس کهرتی تأیید شده و مدل نهایی پژوهش از برازش نظری مناسبی برخوردار است.

جدول ۴. ضرایب مسیر مستقیم و غیر مستقیم

متغیرها	ضرایب مسیر (بتا)	آماره تی	p-value	معنی داری
ابعاد تاریک شخصیت $\leftarrow$ احساس کهرتی	-۰/۴۲	۶/۳۸	۰/۰۰۱	معنادار
ابعاد تاریک شخصیت $\leftarrow$ قلدری سایبری	۰/۳۹	۵/۹۲	۰/۰۰۱	معنادار
خودنهادسازی $\leftarrow$ احساس کهرتی	-۰/۳۵	۵/۴۱	۰/۰۰۱	معنادار
خودنهادسازی $\leftarrow$ قلدری سایبری	۰/۳۳	۵/۱۰	۰/۰۰۱	معنادار
احساس کهرتی $\leftarrow$ قلدری سایبری	-۰/۴۶	۷/۰۲	۰/۰۰۱	معنادار
ابعاد تاریک شخصیت $\leftarrow$ احساس کهرتی $\leftarrow$ قلدری سایبری	۰/۱۹	۴/۸۷	۰/۰۰۱	معنادار
خودنهادسازی $\leftarrow$ احساس کهرتی $\leftarrow$ قلدری سایبری	۰/۱۶	۴/۵۲	۰/۰۰۱	معنادار

بحث و نتیجه‌گیری

این پژوهش با هدف بررسی نقش ابعاد تاریک شخصیت و خودنهادسازی در پیش‌بینی قلدری سایبری با میانجی‌گری احساس کهرتی در میان دانش‌آموزان انجام شد.

یافته‌های پژوهش نشان داد که بین ابعاد تاریک شخصیت و قلدری سایبری رابطه معنادار وجود دارد. یافته‌های پژوهش و نشان داد ابعاد تاریک شخصیت با قلدری سایبری رابطه مثبت و معناداری دارند؛ به این معنا که با افزایش ویژگی‌هایی نظیر ماکیاولیسم، خودشیفتگی، سایکوپاتی، سادیسم،

منفعت‌طلبی، بی‌اخلاقی، حق‌روانی، خودخواهی و کینه‌توزی، احتمال بروز رفتارهای قلدری سایبری نیز افزایش می‌یابد. این یافته با نتایج پژوهش‌های پیشین همسو است. برای مثال، (۲) گزارش کردند که ویژگی‌های شخصیتی ناسازگارانه از عوامل مهم در بروز رفتارهای آزارگرانه آنلاین هستند. همچنین (۱۲) نشان دادند که ابعاد تاریک شخصیت، به‌ویژه سایکوپاتی و ماکیاولیسم، از قوی‌ترین پیش‌بین‌های قلدری سایبری محسوب می‌شوند. یافته حاضر همچنین با نتایج پژوهش (۱۰، ۱۳-۱۵)، همسو است که نقش صفات تاریک شخصیت را در رفتارهای پرخاشگرانه و آسیب‌زای آنلاین تأیید کرده‌اند. در تبیین این یافته می‌توان به چارچوب نظری سه‌گانه و چهارتایی تاریک شخصیت اشاره کرد. بر اساس این دیدگاه، افراد دارای صفات تاریک شخصیت معمولاً از سطوح پایین همدلی، وجدان اخلاقی و حساسیت نسبت به پیامدهای رفتار خود برخوردارند و در مقابل، گرایش بیشتری به سلطه‌جویی، دستکاری دیگران، کسب منافع شخصی و رفتارهای پرخاشگرانه دارند (۱۰، ۱۱). چنین ویژگی‌هایی در فضای مجازی به دلیل ناشناس بودن نسبی کاربران، کاهش نظارت اجتماعی و سهولت دسترسی به قربانیان، فرصت بیشتری برای بروز پیدا می‌کنند. به‌ویژه افراد دارای ویژگی‌های ماکیاولیستی ممکن است از قلدری سایبری به‌عنوان ابزاری برای اعمال نفوذ یا کنترل دیگران استفاده کنند، در حالی که افراد دارای ویژگی‌های سایکوپاتی به دلیل فقدان همدلی و تکانشگری بالا، کمتر نگران آسیب‌های وارده به قربانی هستند (۱۲). از سوی دیگر، افراد خودشیفته در مواجهه با تهدیدهای ادراک‌شده نسبت به تصویر ذهنی خود، ممکن است برای حفظ برتری و جایگاه اجتماعی به رفتارهای تهاجمی آنلاین روی آورند (۱۱). همچنین این یافته را می‌توان بر اساس نظریه شناخت اجتماعی بندورا و مفهوم گسست اخلاقی تبیین کرد.

طبق این دیدگاه، افراد زمانی که بتوانند پیامدهای منفی رفتار خود را نادیده بگیرند یا آن را توجیه کنند، احتمال بیشتری دارد که رفتارهای آسیب‌زا را انجام دهند. پژوهش‌های پیشین نیز نشان داده‌اند که صفات تاریک شخصیت از طریق سازوکارهایی مانند بی‌انگیزگی یا گسست اخلاقی، احتمال بروز قلدری سایبری را افزایش می‌دهند (۱۳، ۱۵). بنابراین، به نظر می‌رسد نوجوانان دارای سطوح بالاتر ابعاد تاریک شخصیت، نه تنها انگیزه بیشتری برای رفتارهای پرخاشگرانه آنلاین دارند، بلکه از موانع اخلاقی ضعیف‌تری برای کنترل این رفتارها برخوردارند.

یافته‌های پژوهش نشان داد که بین خودپنهان‌سازی و قلدری سایبری رابطه معنادار وجود دارد. نتایج پژوهش حاضر این فرضیه را تأیید کرد و نشان داد خودپنهان‌سازی با قلدری سایبری رابطه مثبت و معناداری دارد. به عبارت دیگر، نوجوانانی که تمایل بیشتری به پنهان کردن افکار، احساسات، نگرانی‌ها و مشکلات شخصی خود دارند، بیش از دیگران در معرض بروز رفتارهای قلدری سایبری قرار می‌گیرند. یافته حاضر با نتایج مطالعات پیشین همسو است. برای مثال، (۲۰) نشان دادند که خودپنهان‌سازی با کاهش تمایل به کمک‌خواهی و استفاده کمتر از منابع حمایتی ارتباط دارد. همچنین (۲۱) گزارش کردند که خودپنهان‌سازی می‌تواند از طریق افزایش آسیب‌های روان‌شناختی و تشدید مشکلات هیجانی، زمینه‌ساز رفتارهای ناسازگارانه شود. افزون بر این، (۱۶) خودپنهان‌سازی را با پریشانی روان‌شناختی و مشکلات سازگاری اجتماعی مرتبط دانستند. یافته‌های (۱۷) نیز نشان داد افرادی که از ارزیابی منفی اجتماعی هراس دارند و تمایل بیشتری به پنهان‌سازی هیجان‌های خود دارند، در روابط اجتماعی آسیب‌پذیرتر هستند. همچنین (۲۲) بیان کردند که پنهان‌کردن تجارب منفی در فضای مجازی می‌تواند چرخه آسیب‌های روانی و مشکلات ارتباطی را

تداوم بخشد. در تبیین این یافته می‌توان به دیدگاه نظری خودنهادسازی (۴۱) اشاره کرد. بر اساس این دیدگاه، خودنهادسازی فرایندی است که طی آن فرد اطلاعات شخصی ناراحت‌کننده را از دیگران پنهان می‌کند و در نتیجه از دریافت حمایت اجتماعی، همدلی و بازخوردهای سازنده محروم می‌شود. تداوم این وضعیت می‌تواند احساس تنهایی، انزوای هیجانی و فشار روانی را افزایش دهد.

یافته‌ها نشان داد که بین احساس کهرتری و قلدری سایبری رابطه معنادار وجود دارد. نتایج حاصل از تحلیل مدل ساختاری این فرضیه را تأیید کرد و نشان داد احساس کهرتری با قلدری سایبری رابطه معناداری دارد. با توجه به شیوه نمره‌گذاری مقیاس احساس کهرتری در پژوهش حاضر، ضریب منفی به‌دست‌آمده نشان می‌دهد که افزایش احساس کهرتری واقعی با افزایش قلدری سایبری همراه است. یافته حاضر با نتایج مطالعات پیشین همسو است. برای مثال، (۲۶) گزارش کرد که نوجوانان دارای احساس حقارت، تنهایی و ناتوانی اجتماعی بیشتر، در معرض الگوهای ناسازگارانه رفتاری قرار دارند. همچنین (۲۷) نشان داد که احساس درماندگی و بی‌قدرتی ناشی از تعاملات منفی آنلاین می‌تواند به تداوم چرخه آسیب و رفتارهای ناسازگار منجر شود. یافته‌های (۲۸) نیز حاکی از آن است که عزت‌نفس پایین، خودکم‌بینی و احساس کم‌ارزشی با مشکلات مرتبط با قلدری سایبری ارتباط دارند. افزون بر این، (۲۹) نشان دادند که برخی نوجوانان برای جبران احساس نابسندگی و کم‌ارزشی، به رفتارهای پرخاشگرانه و آزارگرانه در فضای مجازی روی می‌آورند. همچنین پژوهش‌های (۳۰، ۳۱) نشان دادند که مقایسه‌های اجتماعی منفی در شبکه‌های اجتماعی می‌تواند احساس ناکافی بودن و تمایل به رفتارهای خصمانه را افزایش دهد. در تبیین این یافته می‌توان به دیدگاه آدلر درباره احساس حقارت اشاره کرد. بر اساس نظریه آدلر، احساس کهرتری

زمانی که به‌صورت افراطی تجربه شود، فرد را به سمت جبران‌جویی ناسازگارانه سوق می‌دهد. در چنین شرایطی، برخی افراد برای مقابله با احساس ضعف و نابسندگی، تلاش می‌کنند از طریق اعمال قدرت بر دیگران، نوعی احساس برتری موقت را تجربه کنند. فضای مجازی نیز به دلیل ناشناس بودن نسبی، دسترسی آسان به دیگران و کاهش محدودیت‌های اجتماعی، بستر مناسبی برای بروز این رفتارهای جبرانی فراهم می‌کند. بنابراین، نوجوانانی که از احساس کهرتری بیشتری رنج می‌برند، ممکن است قلدری سایبری را به‌عنوان ابزاری برای جبران کمبودهای ادراک‌شده و کسب احساس کنترل و برتری به کار گیرند.

همچنین یافته‌ها نشان داد که احساس کهرتری در رابطه بین ابعاد تاریک شخصیت و قلدری سایبری نقش میانجی دارد. نتایج تحلیل مدل معادلات ساختاری این فرضیه را تأیید کرد و نشان داد ابعاد تاریک شخصیت علاوه بر تأثیر مستقیم بر قلدری سایبری، از طریق احساس کهرتری نیز به‌صورت غیرمستقیم و معنادار بر این رفتار اثر می‌گذارند. همچنین نتایج نشان داد که ابعاد تاریک شخصیت با احساس کهرتری رابطه معناداری دارند و این سازه می‌تواند بخشی از تأثیر ویژگی‌های شخصیتی تاریک بر رفتارهای پرخاشگرانه آنلاین را تبیین کند. به بیان دیگر، نوجوانانی که سطوح بالاتری از صفات تاریک شخصیت را دارا هستند، بیشتر در معرض تجربه احساس کهرتری قرار می‌گیرند و این احساس نیز احتمال بروز قلدری سایبری را افزایش می‌دهد. این یافته با مطالعات پیشین همسو است. (۳۲) نشان دادند که ابعاد تاریک شخصیت از طریق تجربه طرد اجتماعی، اضطراب و احساس حقارت می‌توانند زمینه‌ساز رفتارهای ناسازگارانه شوند. همچنین (۳۳) گزارش کردند که برخی مؤلفه‌های صفات تاریک، به‌ویژه ماکیاولیسم و سایکوپاتی، با خودکم‌بینی، نابسندگی و گرایش به جبران افراطی ارتباط

دارند. افزون بر این، پژوهش (۳۴) نشان داد که ویژگی‌های شخصیتی ناسازگارانه با تجربه احساس بی‌کفایتی و حقارت پیوند دارند. در تبیین این یافته می‌توان از دیدگاه آدلری و چارچوب نظری صفات تاریک شخصیت بهره گرفت. بر اساس دیدگاه آدلر، احساس حقارت زمانی که به صورت مزمن تجربه شود، فرد را به سمت راهبردهای جبرانی ناسازگارانه سوق می‌دهد. از سوی دیگر، ویژگی‌هایی نظیر ماکیاولیسم، سایکوپاتی و خودشیفتگی با روابط بین‌فردی ناسالم، تعارض‌های اجتماعی و آسیب‌پذیری هیجانی همراه هستند (۳۲). این شرایط می‌تواند ادراک فرد از ارزشمندی خود را تضعیف کرده و احساس کهنتری را افزایش دهد. در ادامه، برخی نوجوانان برای جبران این احساس ناخوشایند و کسب حس قدرت، کنترل یا برتری، به رفتارهای پرخاشگرانه در فضای مجازی روی می‌آورند. بنابراین، احساس کهنتری به عنوان یک سازوکار هیجانی - شناختی مهم، بخشی از فرایند انتقال اثر ابعاد تاریک شخصیت به قلدری سایبری را تبیین می‌کند.

یافته‌های پژوهش نشان داد که احساس کهنتری در رابطه بین خودنهی‌سازی و قلدری سایبری نقش میانجی دارد. نتایج تحلیل مدل معادلات ساختاری این فرضیه را تأیید کرد و نشان داد که خودنهی‌سازی علاوه بر تأثیر مستقیم بر قلدری سایبری، از طریق احساس کهنتری نیز به صورت غیرمستقیم و معنادار بر این رفتار اثر می‌گذارد. همچنین یافته‌ها نشان دادند که خودنهی‌سازی با احساس کهنتری رابطه معناداری دارد و احساس کهنتری نیز به نوبه خود با قلدری سایبری مرتبط است. این الگوی روابط بیانگر آن است که بخشی از تأثیر خودنهی‌سازی بر رفتارهای پرخاشگرانه آنلاین از طریق تغییر در ادراک فرد از ارزشمندی و کفایت شخصی تبیین می‌شود. یافته حاضر با نتایج مطالعات پیشین همسو است. (۳۶) نشان دادند که احساس حقارت از طریق خودنهی‌سازی و تنهایی

می‌تواند سلامت روان و بهزیستی افراد را تحت تأثیر قرار دهد. همچنین (۳۷) گزارش کردند که افراد دارای احساس کم‌ارزشی، تمایل بیشتری به پنهان کردن هیجان‌ها و مشکلات شخصی خود دارند و این فرایند با تشدید احساس ناکافی بودن همراه است. افزون بر این، (۳۸) نشان دادند که خودنهی‌سازی با اضطراب، استرس، مقایسه اجتماعی منفی و احساس پایین‌رتبگی ارتباط دارد. یافته‌های (۲۱) نیز بیانگر آن است که خودنهی‌سازی می‌تواند آسیب‌های روان‌شناختی را تشدید کرده و زمینه‌ساز بروز رفتارهای ناسازگارانه شود. در تبیین این یافته می‌توان گفت افرادی که تمایل زیادی به پنهان کردن افکار، احساسات و مشکلات شخصی خود دارند، فرصت کمتری برای دریافت حمایت اجتماعی، همدلی و بازخوردهای مثبت از محیط پیرامون به دست می‌آورند. تداوم این وضعیت به تدریج احساس تنهایی، انزوای هیجانی و ادراک منفی از خود را افزایش می‌دهد و زمینه شکل‌گیری احساس کهنتری را فراهم می‌کند (۳۶، ۳۸). در چنین شرایطی، برخی نوجوانان ممکن است برای جبران احساس نابسندگی، ناکامی و کم‌ارزشی به رفتارهای پرخاشگرانه در فضای مجازی روی آورند. فضای آنلاین نیز به دلیل کاهش نظارت مستقیم و امکان ناشناس ماندن، فرصت مناسبی برای بروز این رفتارهای جبرانی فراهم می‌کند. بنابراین، احساس کهنتری به عنوان یک سازوکار هیجانی - شناختی مهم، نقش واسطه‌ای در انتقال اثر خودنهی‌سازی به قلدری سایبری ایفا می‌کند.

این پژوهش به دلیل ماهیت توصیفی-همبستگی و مقطعی، امکان استنباط علیت میان متغیرها را فراهم نمی‌کند و روابط مشاهده‌شده صرفاً بیانگر الگوهای همبستگی میان ابعاد تاریک شخصیت، خودنهی‌سازی، احساس کهنتری و قلدری سایبری است. همچنین استفاده از پرسشنامه‌های خودگزارشی می‌تواند تحت تأثیر سوگیری‌هایی مانند تمایل به پاسخ‌دهی اجتماعی مطلوب قرار گیرد. محدود بودن جامعه آماری به

دانش‌آموزان شهر خوی در سال تحصیلی ۱۴۰۵-۱۴۰۴ نیز تعمیم‌پذیری نتایج را محدود می‌کند و لازم است در تعمیم به سایر بافت‌های فرهنگی و سنی احتیاط شود. علاوه بر این، احتمال اثرگذاری متغیرهای مداخله‌گر کنترل‌نشده مانند سبک فرزندپروری و وضعیت اجتماعی-اقتصادی وجود دارد. در ادامه، پیشنهاد می‌شود در پژوهش‌های آینده از طرح‌های طولی و آزمایشی، روش‌های چندمنبعی داده و نمونه‌های گسترده‌تر استفاده شود و متغیرهای زمینه‌ای و هیجانی بیشتری در مدل‌ها لحاظ گردد تا تبیین دقیق‌تری از سازوکارهای قلدری سایبری ارائه شود. از منظر کاربردی نیز اجرای برنامه‌های پیشگیرانه در مدارس، آموزش مهارت‌های ابراز هیجان، کاهش خودنهیان‌سازی، تقویت عزت‌نفس و

احساس کفایت، ارتقای سواد رسانه‌ای، مداخلات خانواده‌محور و تقویت خدمات مشاوره‌ای مدارس برای کاهش رفتارهای پرخطر آنلاین در نوجوانان ضروری است.

تشکر و قدردانی

نویسنده از تمامی کسانی که در این راستا با محقق همکاری نمودند کمال تشکر را دارد.

تعارض منافع

بنابر اظهار نویسندگان مقاله حاضر فاقد هرگونه تعارض منافع بوده است.

References

1. Yemima CK. The forms of cyberbullying behavior among teenage students: A systematic literature review. *Jurnal Bimbingan dan Konseling Terapan*. 2023;7(2):151-60.
2. Huang Y-y, Chou C. An analysis of multiple factors of cyberbullying among junior high school students in Taiwan. *Computers in human behavior*. 2010;26(6):1581-90.
3. Obaidat I, Al-zou'bi A, Mughaid A, Abualigah L. Investigating the cyberbullying risk in digital media: protecting victims in school teenagers. *Social Network Analysis and Mining*. 2023;13(1):139.
4. Alim S. Analysis of tweets related to cyberbullying: Exploring information diffusion and advice available for cyberbullying victims. *International Journal of Cyber Behavior, Psychology and Learning (IJCBL)*. 2015;5(4):31-52.
5. Mikhaylovsky MN, Lopatkova IV, Komarova NM, Rueva EO, Tereschuk KS, Emelyanenkova AV. Cyberbulling as a new form of a threat: a physiological, psychological and medicinal aspects. *Electronic journal of general medicine*. 2019;16(6).
6. Hinduja S, Patchin JW, editors. Overview of cyberbullying. White house conference on bullying prevention; 2011.
7. Dmitrenko N, editor RESTRICTION ON RIGHTS OF CYBERBULLYING VICTIMS AMONG TEENAGERS. SUBJECT AND OBJECT OF COGNITION IN A PROJECTION OF EDUCATIONAL TECHNIQUES AND PSYCHOLOGICAL CONCEPTS; 2014.
8. García-Maldonado G, Martínez-Salazar GJ, Saldívar-González AH, Sánchez-Nuncio R, Martínez-Perales GM, Barrientos-Gómez MdC. Risk factors and consequences of cyberbullying in teenagers: association with bullying. *Boletín médico del Hospital Infantil de México*. 2012;69(6):463-74.
9. Sabella RA, Patchin JW, Hinduja S. Cyberbullying myths and realities. *Computers in Human behavior*. 2013;29(6):2703-11.
10. Alavi M, Latif AA, Ramayah T, Tan JY. Dark tetrad of personality, cyberbullying, and cybertrolling among young adults. *Current Psychology*. 2023;42(32):28441-51.
11. Goodboy AK, Martin MM. The personality profile of a cyberbully: Examining the Dark Triad. *Computers in human behavior*. 2015;49:1-4.
12. Van Geel M, Goemans A, Toprak F, Vedder P. Which personality traits are related to traditional bullying and cyberbullying? A study with the Big Five, Dark Triad and sadism. *Personality and individual differences*. 2017;106:231-5.
13. Jahani Zingir H, Eghbali M. Prediction of cyberbullying based on impulsivity, Moral disengagement and dark personality traits in adolescents with addiction to cyberspace. *Rooyesh-e-Ravanshenasi Journal (RRJ)*. 2023;12(4):187-96.
14. Gholami M, Thornberg R, Kabiri S, Yousefvand S. From dark triad personality traits to digital harm: mediating cyberbullying through online moral disengagement. *Deviant Behavior*. 2026;47(3):594-612.
15. Kircaburun K, Jonason P, Griffiths MD, Aslanargun E, Emirtekin E, Tosuntaş ŞB, et al. Childhood emotional abuse and cyberbullying perpetration: The role of dark personality traits. *Journal of interpersonal violence*. 2021;36(21-22):NP11877-NP93.
16. Chen X, Ma Q, Peng X, Yang H, Ye Z, Yang C, et al. Mediating effect of self-concealment between non-suicidal self-injury and internet addiction in college students: a cross-sectional study. *BMC psychology*. 2023;11(1):406.
17. Akpinar E, Çelik E, Takunyacı M. Exploring the relationship between self-concealment and attitudes towards social media, social appearance anxiety and sensation seeking. *Ekev Akademi Dergisi*. 2024(98):75-90.
18. Bansal M. Relationship between Social Appearance Anxiety, Self-Concealment and Loneliness among Young Adults. *International Journal of Interdisciplinary Approaches in Psychology*. 2023;1(3):74-151.
19. Fernández García A, Fernández Sedano I. Self-concealment of bullying, if student is victim, aggressor or witness, and their relationship with subjective well-being. 2020.

20. Abdollahi A, Hosseinian S, Beh-Pajoo A, Carlbring P. Self-concealment mediates the relationship between perfectionism and attitudes toward seeking psychological help among adolescents. *Psychological Reports*. 2017;120(6):1019-36.
21. Wei H, Zhou Z, Zhang H. The influence of self-concealment on Internet addiction: A test of multiple mediating effects. *International Journal Of Psychology*. 2012;47:605.
22. Borrego-Ruiz A, Fernández S. Bullying Victimization: A Comprehensive Overview of Emotional Responses and Psychological Consequences. *Psychology International*. 2026;8(1):22.
23. Kyriacou C, Zuin A. Cyberbullying bystanders and moral engagement: A psychosocial analysis for pastoral care. *Pastoral Care in Education*. 2018;36(2):99-111.
24. Amani DZ, Taqiyah I. Factors influencing inferiority feelings: A systematic review. *Journal of Scientific Research, Education, and Technology (JSRET)*. 2024;3(4):1756-66.
25. Çimşir E, Akdoğan R. Inferiority feelings and internet addiction among Turkish University students in the context of COVID-19: the mediating role of emotion dysregulation. *Current Psychology*. 2024;43(5):4245-54.
26. Ukatayevna UG. The problem of victimisation of victims of cyberbullying and their coping strategies. *Мир науки Педагогика и психология*. 2021;9(6):52.
27. Dordolo N. The role of power imbalance in cyberbullying. *The Undergraduate Journal of Psychology*. 2014;3:35-41.
28. Brighi A, Melotti G, Guarini A, Genta ML, Ortega R, Mora-Merchán J, et al. Self-esteem and loneliness in relation to cyberbullying in three European countries. *Cyberbullying in the global playground: Research from international perspectives*. 2012:32-56.
29. Jacob PSF, Anakaka DL, Wijaya RPC. Self esteem and the tendency of cyberbullying. *Journal of Health and Behavioral Science*. 2023;5(3):426-37.
30. Gao F, Guo Z, Yan Y, Wang J, Zhan X, Li X, et al. Relationship between shyness and cyberbullying in different study stages: The mediating effects of upward social comparison and self-esteem. *Current Psychology*. 2023;42(26):22290-300.
31. Villanueva-Moya L, Herrera MC, Sánchez-Hernández MD, Expósito F. # Instacomparison: social comparison and envy as correlates of exposure to Instagram and cyberbullying perpetration. *Psychological Reports*. 2023;126(3):1284-304.
32. Ebadpoor A, Nikooy M, Mohammadkhani P. Modeling the Dark Triad of Personality (Machiavellianism, Psychopathy, and Narcissism) Based on Feelings of Inferiority, Anxiety, and Social Rejection with the Mediating Role of Attachment Styles in Adolescents with the Experience of Running Away from Home. *Mental Health and Lifestyle Journal*. 2025;3(1):1-12.
33. Čekrljia Đ, Rokvić NM, Dinić BM, Schermer JA. Relationship between the inferiority and superiority complex and the Big Five and Dark Triad traits. *Personality and Individual Differences*. 2023;206:112123.
34. Čekrljia Đ, Rokvić NM. Relationship Between Somatic Symptoms, Inferiority and Superiority Complex, and the Big Five Personality Traits. *Human Affairs*. 2026;36(1):64-80.
35. Alexander F. Remarks about the relation of inferiority feelings to guilt feelings. *The International Journal of Psycho-Analysis*. 1938;19:41.
36. Akdoğan R, Çimşir E. Linking inferiority feelings to subjective happiness: Self-concealment and loneliness as serial mediators. *Personality and Individual Differences*. 2019;149:14-20.
37. Kumar C, Srivastava S. Attachment Style, Inferiority Complex and Self Concealment: A Correlation Study Among Young College Going Adults. *International Journal Of Indian Psychology*. 2024;12(2).
38. Cruddas S, Gilbert P, McEwan K. The relationship between self-concealment and disclosure, early experiences, attachment, and social comparison. *International Journal of Cognitive Therapy*. 2012;5(1):28-37.
39. Kline RB. Principles and practice of structural equation modeling: Guilford publications; 2023.
40. Moshagen M, Hilbig BE, Zettler I. The dark core of personality. *Psychological review*. 2018;125(5):656.
41. Larson DG, Chastain RL. Self-concealment: Conceptualization, measurement, and health implications. *Journal of Social and Clinical psychology*. 1990;9(4):439-55.

42. Antoniadou N, Kokkinos CM, Markos A. Development, construct validation and measurement invariance of the Greek cyber-bullying/victimization experiences questionnaire (CBVEQ-G). *Computers in Human Behavior*. 2016;65:380-90.
43. Strano DA, & Dixon, D. N. Inferiority Feelings Scale (Self- and family-rating forms). Unpublished psychological scale. 1990.

Original Article

The Role of Dark Personality Traits and Self-Concealment in Predicting Cyberbullying with Testing the Mediating Role of Feelings of Inferiority

Received: 13/07/2025 - Accepted: 12/01/2026

Farina Iraj¹
 Samira Alizadeh²
 Masoud Qorbanalipour^{3*}
 Azad Salmannasab⁴

¹ M.A. in Clinical Psychology,
 Department of Clinical Psychology,
 Faculty of Medical Sciences, Ta.C.,
 Islamic Azad University, Tabriz, Iran.

² M.A. in Educational Psychology,
 Department of Psychology and
 Educational Sciences, Khoy.c., Islamic
 Azad University, Khoy, Iran.

³ Department of Psychology, Khoy.c.,
 Islamic Azad University, Khoy, Iran.
 (Corresponding Author)

⁴ Ph.D. Student in Psychology,
 Department of Psychology, Faculty of
 Literature and Humanities, University
 of Urmia, Urmia, Iran

Email:
 masoudqorbanalipour@gmail.com

Abstract

Introduction: This study investigated the role of Dark Nine personality traits and self-concealment in predicting cyberbullying, with feelings of inferiority as a mediator, among adolescents in Khoy.

Methods: This fundamental, descriptive-correlational study used structural equation modeling. The population included all junior and senior high school students in Khoy during 2025–2026; 350 students were selected via multi-stage random sampling. Data were collected using validated questionnaires for Dark Nine traits, self-concealment, cyberbullying, and inferiority feelings, and analyzed with SPSS and SmartPLS.

Results: Dark personality traits, self-concealment, and inferiority feelings all showed significant relationships with cyberbullying. The structural model revealed that dark traits ($\beta = 0.39$) and self-concealment ($\beta = 0.33$) had direct positive effects on cyberbullying, while inferiority feelings were negatively associated with it ($\beta = -0.46$). Also, dark traits ($\beta = -0.42$) and self-concealment ($\beta = -0.35$) had significant negative relationships with inferiority feelings. Indirect effects confirmed the mediating role of inferiority in the links between dark traits ($\beta = 0.19$) and self-concealment ($\beta = 0.16$) with cyberbullying. All fit indices indicated good model fit.

Conclusion: Dark personality traits and self-concealment contribute to cyberbullying both directly and indirectly via reducing inferiority feelings. These findings underscore the need for psychological interventions targeting personality modification and emotional regulation to prevent risky online behaviors.

Keywords: Dark Personality Traits, Self-Concealment, Cyberbullying, Inferiority Feeling.